

رهایی از من

مینو بگلو



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

تابستان ۱۳۹۶

پیشگفتار

«از ماست که بر ماست»

احتمالاً این عبارت را بارها شنیده‌اید.

چقدر این گفته را باور دارید؟

چه برداشتی از آن می‌کنید؟

تا چه اندازه نقش خودتان را در زندگی مؤثر می‌دانید؟

.....

.....

خیلی‌ها معتقدند انسان هنگام تولد لوح سفیدی است که با انتخاب‌های خودش بر آن نقش می‌زند و سرنوشتش را تعیین می‌کند. در واقع هر کسی خالق زندگی خویش است. با این احوال، اغلب روزمرگی و حاشیه‌های زندگی برای انسان اولویت بیشتری داشته و در بسیاری مواقع خودش را فراموش کرده است که شاید بزرگ‌ترین معضل زندگی همین باشد.

از ابتدای خلقت، در تمدن‌ها و اعصار مختلف، زندگی برای بشر چالش‌برانگیز بوده و هست. با نگاهی اجمالی به تاریخچه‌ی زندگی آدمی، این طور به نظر می‌رسد که بیشترین سعی و تلاش در جهت ساختن و فراهم کردن تجهیزات بهتر، برای راحتی و رفاه در زندگی بوده است.

به همین لحاظ بیشتر از هر چیزی توسعه تکنولوژی را در تمام علوم به خوبی می توان دید. با وجود ابزار و وسایل پیشرفته ای که سریع و آسان ما را قادر به درنوردیدن زمان و مکان..... می سازند. و از آن جایی که انسان همچنان تمرکز زیادی به این مقوله دارد و کماکان به اکتشافات و اختراعات جدیدی نایل می گردد.

فکر نمی کنم هنوز در مورد بهبود روابط، ایجاد احساس رضایت و همچنین افزایش شادی و آرامش در زندگی پیشرفت چندانی داشته و موفقیت های چشمگیری کسب نموده باشد. بلکه اغلب در این رابطه با مسائل و مشکلات پیچیده ای دست به گریبان است. با وجود انبوه کتاب و کلاس، مردمان مدرسه رفته و دانشگاه دیده، با انواع مدارج تحصیلی و آموزشی، هنوز اکثریت قریب به اتفاق، به شدت درگیر مسائل فردی و روابط جمعی هستند. ظاهراً سال های تحصیل و کتب درسی کمک زیادی به شناخت خویشتن و تعدیل خشم، ترس، خودخواهی، حسادت..... و از بین رفتن گره های درون نکرده است.

شاید بهتر باشد امروز، سیستم آموزشی و ملاک سواد بر پایه میزان خشنودی، سعادت و افکار خیرخواهانه و صلح طلبانه باشد.

در آن صورت می توان امیدوار بود که همراه با پیشرفت زندگی ماشینی و مدرنیته، آگاهی و بعد معنوی و انسانی هم در آدم ها رشد کرده و افزایش یابد.

تا به زیستن سالم تر و آسوده تر منجر شود.

به عبارت دیگر آموزشی صحیح در راستای فطرت حقیقی و ماهیت الهی انسان می تواند نتایج بهتری داشته باشد که متعاقب آن در شرایطی مناسب تر از امروز، شاهد بحران معنویت و انحطاط بشریت نباشیم.

چنین بودنی شجاعت و تعهدی را می طلبد که علاوه بر دانستن به توانستن بیانجامد و به رفتار درآید.

حقیقتاً همه ما باید بدرستی قدرشناس لحظه های زندگی باشیم و از آن ها لذت ببریم این را بدانیم که اگر هدفمان زندگی کردن باشد و فقط به زنده بودن قناعت نکنیم. به زیبایی می توانیم در زمان اکنون، شکوه زندگی را دریابیم.

به اعتقاد من جاذبه های مادی دنیای امروز که باعث درگیری های ذهنی و پراکندگی افکار می گردند. هرچه بیشتر لزوم شناخت خود و حفظ سلامت و تعادل روح و روان را نشان می دهند.

بی گمان راهی طولانی در پیش است و مجالی اندک.....!

کتابی که در دست دارید شاید به گونه ای.....

روایت پر کشیدن و به صلح و آرامش رسیدن باشد.

سعی من بر این بوده که:

با تأکید به توانمندی انسان و قدرت تعیین کنندگی اش مسئولیت و رسالت او را در قبال حیات زمینی اش یادآوری کنم. همچنین شما را با احساس ها و تجربیات شخصی ام سهیم نمایم.

با وجود تکراری چند به صرف اهمیت بعضی از موضوعات، در اغلب موارد با تمثیل و استعاره، اشاره ای گذرایی بر مفاهیم عمیق و پایه ای را مطالعه می کنید. با این دیدگاه که خیلی وقت ها دریافت سخن کوتاه از توضیح واضحات سهل تر است. در بخش آخر وام گرفتن از اشارات و عبارات عرفانی، با این نیت بوده که بتوانم رهایی از من و نزدیکی با خدا را ملموس تر و زیباتر ترسیم کنم. همینطور جاهای خالی و نقطه چین های کتاب مطالب بسیاری در خود دارند.....! که شاید بهتر باشد آنجا کمی مکث کنید.....